

چرا افغانستان در آتش میسوزد؟



باشکست طالبان در افغانستان یکبار دیگر منافع طلبان دیروز برابری که قدرت تکیه و آزادی، دموکراسی، تطبیق قانون و تحکیم پایه های دولت نه تنها جلوگیری نموده بلکه با پخش عقاید غیر بنیادگرایی در جامعه شدیداً مخالفت نمودند. با اندوه زیاد دولت نیز در مبارزه با تولید و قاچاق مواد مخدر، حساب دهی از کمک های جامعه جهانی، جذب اعضای گروه های مجاهدین در تشکیلات اردو و پولیس ملی و همچنین استخدام آنان در تمامی ادارات دولت در داخل و خارج، جلوگیری از تبلیغات علیه جهاد و مقاومت. اگر این شروط کالبدشکافی گردد قبول آنها نتیجه ای جز پذیرفتن حاکمیت عده ای خاصی نیست.

با این سیاست غلط و نادرست دست اندرکاران سیاسی افغانستان، کمتر روزی است که در رسانه های داخلی و خارجی، از حملات انتحاری، انفجارات و یا حملات راکتی، به یکی از نقاط کشور، خبر ندهد. در حالیکه انتظار می رفت با تشکیل پارلمان و تنفیذ هر چه بهتر قانون؛ دولت، به بخشی از چالش های موجود در مقابل خود، فایق آید؛ اما دیده می شود که تشدید نا امنی ها، باعث ایجاد چالش عمده ای در مقابل دولت، شده است.

کابل پایتخت کشور که در آن نیروهای پر شمار داخلی و خارجی تامین کننده امنیت، وجود دارند نیز از گزند نا امنی ها، مصون نمانده و بطور پراکنده اما هشدار دهنده ای، مورد حملات انتحاری و فیر راکت قرار می گیرند. اگر چه تا کنون، ارگان های دولتی تامین کننده امنیت، شامل وزارت دفاع، داخله و امنیت ملی، تشدید حملات انتحاری و تخریبی از سوی مخالفین را، نشانه تضعیف و اضمحلال آنان دانسته و مدعی اند که آنان به دلیل عدم برابری در مواجهه مستقیم با دولت، دست به این کارها می زنند. درگیری و بی نظمی ها نشان می دهد که امنیت، روز به روز خراب تر شده می رود. بدیهی است که اگر دولت به حل این مشکل اساسی فایق آمده نتواند، در تطبیق پروسه های باز سازی و نوسازی، به کامیابی نخواهد رسید.

در کشوری که تمام زیر ساخت های اجتماعی و اقتصادی آن، در دوران جنگ 25 ساله تخریب شده و مردم این کشور، برای قادر شدن به گذران زنده گی ابرومندانۀ خویش، نیاز شدید به کار در راستای باز سازی دارند؛ امنیت و سرزنش سران جنگ و تفنگ ضرورت شماره اول به حساب می آید. در صورتیکه این مشکلات بطور عاجل مرفوع نگردد بسیار مشکل خواهد بود تا حرکت های لازم دیگر، در عرصه های باز سازی و احیای مجدد و قادر ساختن مردم به پیدواری ضروری، صورت بگیرد.

استقرار شمار قابل ملاحظه ای از نیروهای مسلح خارجی، در چوکات نیروهای قوای ائتلاف، آیساف و شروع حرکت های کمک به امنیت از سوی دولت، در قالب تشکیل و تجهیز اردو و پولیس ملی، از یک سو و تطبیق پروسه دی دی آر و دایاگ از سوی دیگر، این سوال پیش می آید که چرا با این همه امکانات، نمی توانند، در تامین امنیت، مؤثر واقع گردند؟ تخریب اوضاع امنیتی در کشور، سبب شده است تا کرز، نتواند در برابر اوضاع نا بسامان امنیتی، واکنش نشان ندهد. کرز که اغلب، در سخنرانی هایش از باز سازی و کارکردهای دولت سخن می گوید، در سفر های خویش، با اینکه کوشش می کند تا در جلب اعتماد مردم، از کارکردهای دولتش چیزی بگوید؛ اما نمی تواند منکر وضعیت نا بسامان امنیتی گردد.

دامنه نا امنی ها در سراسر کشور روز به روز گسترش می یابد. که پایتخت نیز از آن مصون نمانده است. در ارتباط با چگونگی این حوادث هیچ یک از مسوولین کشور توضیحی ارائه نکردند. این سکوت معنی دار مسوولین باعث گردید که

رسانه های مختلف در سراسر جهان با دید خود به تحلیل و توصیف وقایع پیش آمده بپردازند و هر یک دید خاص خود را در این ارتباط ارایه دهند تنها وجه اشتراک همه دیدگاهها، انتقاد از دولت و جامعه جهانی در عدم کنترل چنین حوادثی است.

در حال حاضر برای بیشتر مردم سر نوشت گروه های مختلف سیاسی مهم نبوده و نیست چون بارها و بارها بر سر آبرو و عزت آنها با عناوین مختلف زیبا و فریبنده معامله صورت گرفته است. و مردم در مقاطع مختلف مظلوم و تنها قربانی امیال و هوسهای گوناگون افراد و گروه های مختلف نظامی و سیاسی شده اند بدون اینکه در زندگی سراسر پریشانی و مشقت بار آنها تغییر مثبتی صورت گیرد. منتها هر گاه که جنک بر سر منافع و به دست آوردن قدرت صورت می گیرد کسانی که بیش از همه ضرر می کنند و قربانی می شوند، مردم هستند که در کوران حوادث همواره باید تاوان خود خواهیها و قدرت طلبی های رجال سیاسی خویش را بپردازند.

بیان سخنان این مقام مسوول امنیتی به دامنه نگرانی ها در بین اغلب گروه های مختلف غیر سیاسی در این مملکت افزوده است. مردم که با صدها مشکل در حال حاضر روزگاری گذرانند، نگران این هستند که با تداوم نا امنی ها، خدای ناکرده همانند عراق همین امنیت نسبی در بعضی از ولایات نیز، رخت بریند و جان و ناموس مردم بی رحمانه در مقابل هوسهای قدرت طلبانه سیاسیون، به خطر افتد. اعمالی که در افغانستان چندان غیر طبیعی نمی نماید اما مردم به خاطری که قربانیان اصلی اینگونه حوادث اند به شدت از افشای مطالبی از این دست توسط مسوولین مضطرب و نگران می شوند. در بازارها و مساجد در سراسر افغانستان افغانها از کرده های کرزی، فرد 48 هشت ساله و خوشخو ابراز ناراضی می کنند. بنظر میرسد پیروزی کرزی، فرد مورد حمایت غرب، در انتخابات اکتوبر سال 2004 پروسه بازسازی سیاسی و ثبات سازی در این کشور را بیشتر از گذشته ها یعنی بعد از سرنگونی رژیم طالبان توسط قوای به رهبری امریکا تقویت و تسریع کند. از آن به بعد اعتماد عمومی به کرزی با گذارش هائی از دزدی توسط پولیس شاهراه ها، فروش مشاغل بالای دولتی به ثروتمندان، افزایش قاچاق مواد مخدر و غرق شدن پول های کمکی رو به زوال گذاشته است. نظر سنجی دقیق در افغانستان وجود ندارد اما ده ها ناظر خارجی و داخلی همین نظریات را ابراز داشته اند. پرسشی که همچنان برای هر انسان وطن مطرح است اینست که؛ چگونه کشور را از این فلاکت نجات دادوچه نیرو و جریان سیاسی میتواند افغانستان را بسوی یک جامعه پیشرفته رهبری کند؟ طالبان و یا جنگ سالارانی که رهبری تولید و صدور مواد مخدر در افغانستان را رهبری می کنند؟ و یا ائتلاف امریکا که در صدد صاف کردن جاده برای اعمال اراده سیاسی نظامی غرب در خاورمیانه است؟ ... اینک بیش از پنج سال از تهاجم امریکا و متحدینش به افغانستان و برکناری رژیم طالبان و تاسیس رژیم تازه در افغانستان می گذرد.

ویران که هنوز ویران نه است



افغانستان به دلیل چند دهه جنگ داخلی دچار توقف در همه بخش های توسعه شده است. اما اکنون با پایان یافتن جنگ های داخلی و سقوط طالبان بستر تدوین برنامه های بلند مدت و کوتاه مدت توسعه در افغانستان فراهم شده است. امروز علاوه بر مبارزه با تروریسم، مواد مخدر و فقر باید به رشد و توسعه فرهنگ، اقتصاد و سیاست نیز توجه جدی شود. توسعه فضاهای آموزشی، فراهم کردن بسترهای مناسب تحصیل رایگان و امکانات مطلوب آموزشی از مولفه های رشد فرهنگی و توسعه آموزش و پرورش در افغانستان است. در عرصه اقتصاد نیز توسعه سرمایه گذاری خارجی و تقویت بخش های تولیدی باید بیش از گذشته مورد توجه واقع شود. به نظر می رسد تقویت ساختارها و نهادهای حاکمیت به منظور حاکم شدن مردم افغانستان بر سر نوشت خویش نیز در چارچوب توسعه سیاسی مفهوم می یابد.

به نظر میرسد، توسعه همه جانبه و متوازن در افغانستان به دلیل محدودیت امکانات داخلی نیازمند همکاری جامعه جهانی است. باید توجه داشت که سازمان ملل که موضوع توسعه را در دستور کار خود قرار داده باید برنامه های ویژه ای را در این زمینه برای افغانستان تدوین کند. به اعتقاد ناظران سیاسی کمیسیون اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل مطابق با وظایف و تکالیف خویش باید منابع مالی بیشتری برای رشد و توسعه در افغانستان اختصاص دهد. بی تردیدتها بیان مشکلات و ناهنجاری های موجود در افغانستان از وظایف سازمان ملل و نهادهای وابسته نیست. فراموش شدن موضوع بازسازی و توسعه افغانستان از سوی ناتو و آمریکا، با انتقاد سازمان ملل متحد مواجه شده است.

"جان ماری کوهینو" رئیس صلح بانان سازمان ملل از ناتو خواست به کار توسعه افغانستان بیشتر توجه کند. وی اشاره به ضرورت تأمین امنیت در افغانستان، حرکت در مسیر توسعه را برای این کشور حیاتی دانست. کوهینو همچنین خاطر نشان کرد که سازمان ملل به نیروهای خارجی در خصوص احترام به فرهنگ و مردم افغانستان، تذکر داده است. نیروهای ناتو که باشعار کمک به بازسازی وارد افغانستان شده اند در طول سالهای اخیر، عملکرد مطلوبی نداشته اند. آمارها نشان می دهد که با گذشت بیش از پنج سال از حضور نیروهای خارجی خصوصاً "ناتو"، روند بازسازی در افغانستان بسیار کند بوده است. باید توجه داشت که اصلی ترین پیش شرط توسعه، وجود امنیت است که افغانستان به دلیل سیاستهای آمریکا و ناتو از آن بی بهره است. در شرایطی که افغانستان با معضلات بسیاری همچون تروریسم، فقر و مواد مخدر روبرو است، آمریکا و ناتو تمایلی چندانی برای رفع مشکلات مردم را ندارند. سیاست های دو گانه آمریکا و ناتو در خصوص طالبان باعث شده است فعالیت های تروریستی در افغانستان همچنان ادامه یابد. برخی محافل سیاسی معتقدند که آمریکا و ناتو به صورت غیر آشکار با برخی رهبران طالبان ارتباط نزدیک دارند. از سوی دیگر باید توجه داشت که از بین رفتن کامل طالبان، توجیهی برای تداوم حضور خارجی ها باقی نمی گذارد. بنابراین به نظر می رسد که آمریکا و ناتو برای استمرار حضور خود در افغانستان نیازمند سطح کنترل شده ای از خشونت ها و درگیری ها هستند. همچنین وجود طالبان، اهرم فشار آمریکا بر دولت کرزی در جهت تبعیت از سیاست های دولت بوش محسوب می شود.

موضوع افزایش کشت خشکاش و تولید مواد مخدر نیز از معضلاتی است که جامعه افغانستان برای رهایی از آن نیازمند کمک جامعه جهانی است. در حالی که معیشت بیش از دو میلیون دهقان به کشت خشکاش گره خورده است، ارائه کشت جایگزین و ایجاد منابع جدید در آمدی به تنهایی در توانایی دولت نیست و جامعه جهانی باید در این زمینه فعال شود. در خصوص موضوع توسعه نیز روند کند بازسازی باعث شده است همچنان فقر بر سر مردم این کشور سایه بیافکند، برخی گزارشها نشان می دهد که تنها بخشی از کمکهای بین المللی به موضوع بازسازی اختصاص یافته است و بخش زیادی از این کمکها صرف هزینه حضور موسسات خارجی در افغانستان می شود. در اجلاس اخیر ناتو در سویل اسپانیا، تاکید برخی کشورهای بزرگ اروپایی بر رویکردهای غیر نظامی و تمرکز بر مقوله آموزش و تجهیز اردو و پولیس ملی نشان دهنده اختلافات در درون ناتو بود. اگر چه تاکید رئیس صلح بانان سازمان ملل بر توجه بیشتر ناتو به امور توسعه نشان می دهد که عالی ترین نهاد بین المللی نیز از عملکرد ناتو در زمینه بازسازی انتقاد دارد اما بی توجهی سازمان ملل به توسعه افغانستان نیز جای پرسشهای بسیاری دارد. به اعتقاد کارشناسان، افزایش سطح رفاه عمومی و تسریع در بازسازی، به کاهش خشونت و ناامنی در افغانستان منجر می شود.

افزایش نیروهای نظامی



افزایش نیروهای نظامی در افغانستان، موضوعی است که اختلافهای زیادی را میان اعضای ناتو با آمریکا به وجود آورده است. در اجلاس ناتو در سویل اسپانیا کشورهای بزرگ اروپایی با افزایش نیرو و تجهیزات در افغانستان مخالفت کردند، اما سخنگوی ناتو در کابل اخیراً از افزایش نظامیان ناتو در این کشور خبر داد.

تام کالینز ، سخنگوی ناتو گفت ، بزودی سه هزار نیرو از کشورهای انگلیس ، لهستان و بلغاریا به جمع نیروهای ناتو افزوده خواهند شد . در صورت اعزام سه هزار نیروی جدید ناتو ، مجموع نیروهای ناتو در کشور به بیش از سی و شش هزار نفر افزایش می یابد . کالینز اظهار امیدواری کرد که کشورهای دیگر عضو ناتو نیز از افزایش نیرو و تجهیزات در افغانستان حمایت کنند .

با انتصاب ژنرال آمریکایی مک نیل به فرماندهی نیروهای ناتو در افغانستان ، انتظار می رفت کشورهای عضو ناتو برای حمایت از افزایش نیرو ، تحت فشار بیشتری قرار گیرند اما کشورهای بزرگ اروپایی از جمله آلمان ، اسپانیا ، فرانسه و هلند و همچنین ترکیه با طرح آمریکا مبنی بر افزایش نیرو و تجهیزات در افغانستان مخالفت . افزایش نیروهای نظامی ناتو که از سوی انگلیس ، لهستان و بلغاریا صورت خواهد گرفت قابل پیشبینی بود . همکاری و همراهی تونی بلر با سیاست های واشنگتن در حمله به عراق و افغانستان ، انگلیس را به نزدیکترین متحد آمریکا تبدیل کرده است . این در حالی است که پیروی بلر از سیاست های آمریکا شرایط دشواری را برای حزب کارگر ایجاد کرده است . در همین راستا اخیراً " دولت انگلیس با هدف افزایش نیرو در افغانستان بخشی از نیروهای نظامی خود را از عراق خارج کرد .

بلغاریا و لهستان نیز که از کشورهای جدیدالورود به ناتو هستند ، با همراهی با سیاست های آمریکا در افغانستان ، به کمک های اقتصادی دولت بوش چشم دوخته اند . این دو کشور انتظار دارند در قبال اعزام نیرو به افغانستان در قالب ناتو ، آمریکا به بهبود وضعیت نامساعد اقتصادی آنها کمک کند . البته باید گفت که همراهی انگلیس ، بلغاریا و لهستان با سیاستهای دولت بوش با اعتراض مردم این کشورها مواجه است . به نظر می رسد که مخالفت اعضای موثر ناتو با پیروی از سیاست های آمریکا چند دلیل دارد : اول آن که اساساً " سیاست های آمریکا در عراق و افغانستان با شکست مواجه شده است . نکته دوم هم این است که تداوم حضور ناتو در افغانستان به افزایش تلفات نظامیان ناتو منجر می شود . دلیل سوم هم این که همراهی با آمریکا در افغانستان ، از دیدگاه افکار عمومی کشورهای عضو ناتو قابل پذیرش نیست و عملیات ناتو علیه طالبان ، چشم انداز روشنی ندارد . اخیراً " ناتو اعلام کرد که بزرگترین عملیات مشترک ناتو و دولت افغانستان در مناطق آشوبزده هلمند آغاز شده است . اما ناظران سیاسی عملیات ناتو علیه طالبان را فاقد دستاورد ارزیابی می کنند . به نظر می رسد عملیات ناتو که بیشتر از طریق بمباران هوایی صورت می گیرد ، بیشترین صدمات را به مردم عادی وارد می کند . هشدار طالبان درباره تشدید عملیات علیه ناتو و آمریکا در بهار آینده ، چالش آتی ناتو در افغانستان خواهد بود .

اتحادیه اروپا تلاش دارد به منظور تاثیر گذاری بیشتر در عرصه بین الملل از سیاست های مستقل بهره گیرد . در این راستا دکتر کرسست مایر ، رئیس هیات کمیسیون اتحادیه اروپا در یک کنفرانس خبری مشترک با فرانس و ندرل ، نماینده اتحادیه اروپا و هنس زاید ، سفیر آلمان در افغانستان ، از تدوین استراتژی جدید اروپا برای افغانستان خبر داد . دکتر مایر اعلام کرد ، اتحادیه اروپا قصد دارد ظرف سه سال آینده ششصد میلیون یورو به توسعه افغانستان کمک کند . به گفته مایر ، بخش اعظم بودجه ششصد میلیون یورویی اتحادیه اروپا به افغانستان ، در زمینه اصلاحات قضایی ، حقوق بشر و دموکراسی اختصاص خواهد یافت .

بر اساس استراتژی جدید اتحادیه اروپا ، فعالیت های این اتحادیه ظرف شش سال آینده بر بازسازی زیربنای افغانستان متمرکز خواهد شد . رئیس هیات کمیسیون اتحادیه اروپا همچنین گفت ، اتحادیه اروپا مصمم است تا سیاست خود در برخورد با کشورهای همسایه افغانستان از جمله پاکستان را مورد بازنگری قرار دهد . از سوی دیگر ، هنس زاید ، سفیر آلمان در افغانستان نیز گفت ، دولت آلمان مأموریت آموزش پولیس افغانستان را به عهده خواهد گرفت . اگر چه قرار است متن کامل استراتژی اتحادیه اروپا در افغانستان در هفته های آتی اعلام شود ، اما سخنان دکتر مایر در خصوص برخی مفاد این استراتژی حاوی نکات قابل تامل است .

محتوای کلی استراتژی اتحادیه اروپا نشان می دهد که این اتحادیه ، به دلیل تاکید بر مباحث بازسازی و تجهیز اردو پولیس در راه تجدید نظر در سیاست های خود در افغانستان گام برمی دارد . اخیراً " کشورهای بزرگ اروپایی در جریان اجلاس ناتو در سویل اسپانیا بر تمرکز ناتو بر موضوع بازسازی و کمک به تجهیز نیروهای امنیتی افغانستان تاکید کردند . مخالفت کشورهای موثر اتحادیه اروپا از جمله آلمان ، فرانسه ، ایتالیا ، اسپانیا با طرح آمریکا مبنی بر افزایش نیرو و تجهیزات در افغانستان بیانگر ، تقابل سیاست های اروپا و آمریکا در افغانستان است . افزایش تلفات کشورهای اروپایی که نظامیان خود را در قالب ناتو به افغانستان اعزام کرده اند ، شرایط دشواری را برای آنان بوجود آورده است .

مردم کشورهای اروپایی عضو ناتو پیروئی دولتهای اروپایی از سیاست های جنگ طلبانه آمریکا در افغانستان را باعث کشته شدن سربازان خود می دانند . بر این اساس افکار عمومی اروپا بر این باورند که حضور اتحادیه اروپا در قالب ناتو یا ایساف باید در جهت کمک به بازسازی افغانستان باشد . زیرا اساساً حضور ناتو در افغانستان با شعار کمک به بازسازی این کشور انجام شد . بنابراین تجدید نظر دولتهای اروپایی در سیاست های خود در افغانستان نشان می دهد که اتحادیه اروپا در شرایط تقابل با دیدگاههای آمریکا قرار گرفته است . دولت آمریکا در افغانستان برنامه های خود را از طریق افزایش نیرو و تجهیزات و همچنین سیاست های تهاجمی دنبال می کند . اما اتحادیه اروپا در شرایط فعلی بر

تجهیز و آموزش اردو و پولیس افغانستان اصرار دارد. به نظر میرسد در صورت اجرایی شدن دیدگاههای جدید اتحادیه اروپا که به لحاظ محتوایی با دیدگاههای آمریکا چندان همخوانی ندارد، دولت بوش با محدودیت های جدی روبرو می شود. استراتژی جدید اتحادیه اروپا نشان می دهد که کشور های عضو این اتحادیه حاضر به همراهی با آمریکا به دلیل هزینه های گزاف آن از لحاظ تلفات انسانی و تجهیزاتی در افغانستان نیستند.

از جانب دیگر باتاسف ضربات قوای ائتلاف بین المللی بر طالبان در مناطق جنوبی کشور، زمانی صورت میگیرد که برخی گزارشها حاکی از اصابت چندین بمب بر منازل مسکونی و مکاتب در این مناطق و کشته و زخمی شدن تعدادی از اهالی ملکی است. خبرگزاریها به نقل از شاهدان عینی گزارش داده اند که نیروهای هوایی قوای ائتلاف حداقل سه بمب در منطقه نوزاد ولایت هلمند پرتاب کردند که بر اثر آن تعدادی دکان و یک مکتب تخریب گردید، اما نیروهای بریتانیایی مستقر در این منطقه ادعا کرده اند که منطقه بمباران شده، محل تجمع و انداختن سلاحهای سنگین طالبان بوده و آنها ناگزیر از بمباران آن بوده اند، به گفته این سربازان، طالبان از این منطقه دست به آرایش نظامی زده و قصد تصرف ساختمانها و مراکز اداری و لسوالی نوزاد را داشتند و لازم بود که این آرایش نظامی برهم بخورد و پلان هراس افکنان برای تصرف مرکز و لسوالی خنثی شود.

این چندمین بار است که نسبت به هدف گیری غیر دقیق طیارات نظامی ائتلاف انتقاداتی صورت میگیرد و باعث بروز واکنش های تند مردمی در مناطق آسیب دیده می شود. چندی قبل حامد کرزی، رییس جمهوری با فراخوان قومندان قوای ائتلاف بین المللی، از وی خواست که هر نوع حملات نظامی سنگین و یا بمباران مناطقی که گمان می رود محل تجمع و پایگاههای عملیاتی طالبان باشد، باید با مشوره و هماهنگی با قوای اردوی ملی و نیروهای امنیتی افغانستان صورت بگیرد.

اخیراً شورای امنیت ملی کشور، طی نشستی که مسؤولان بلند پایه نظامی قوای ائتلاف نیز در آن اشتراك داشتند، بر ضرورت مشوره قوای ائتلاف با وزارت دفاع ملی، قبل از هر گونه عملیات هوایی تأکید کردند و هم مسؤولان نظامی ائتلاف و هم مقامات وزارت دفاع ملی موافقه نمودند که قبل از وارد کردن ضربات هوایی بر مراکز تجمع طالبان، معلومات مشترك خود از ساحه را ارزیابی کرده و دقیق بسازند. اما علیرغم پایبندی قوای ائتلاف به این تعهد و کوشش ایشان برای صدمه وارد نکردن بر غیر نظامیان، چنین اتفاقاتی گاهی به ناگزیر رخ میدهد، مشکل عمده ای که در این زمینه وجود دارد، نفوذ و رخنه مخالفان دولت در میان بافت های مردمی و استفاده از پناهگاه غیر نظامیان و یا کمین گرفتن در مکاتب است که اگر اقدام جدی صورت نگیرد، ممکن است خطر ساز شود. در برخی مناطق جنوبی کشور، زمینه های نارضایتی مردمی از دولت وجود دارد. این نارضایتی ها، یا ناشی از عدم توازن در توزیع مقامات اداری میان تیره های گوناگون قومی، یا ناشی از قوی بودن تبلیغات طالبان در مقایسه با دولت و یا به خاطر مشکلات عدیده اقتصادی و معیشتی است که باعث فقر و محرومیت و سرخوردهگی وسیع اقشار مختلف مردم از دولت شده است. در صورتی که به این گونه مسایل توجه جدی نشود و زمینه ها و ریشه های نفوذ و حضور مخالفان در میان مردم از بین نرود، هر روز ممکن است که حوادث تلخی مانند آنچه که در ولسوالی نوزاد اتفاق افتاد، رخ دهد و هموطنان بیگناهی، قربانی حملاتی شوند که با هدف نابود کردن پایگاههای مخالفان صورت میگیرد.

رفتار خشونت آمیز نیروهای آمریکایی با مردم، با واکنش شدید مردم و برخی نمایندگان مجلس شورای ملی مواجه شده است. نمایندگان مجلس معتقدند رفتار نادرست نیروهای آمریکایی باعث تشدید خشونت و گسترش ناامنی در افغانستان شده است. این در حالی است که برخی منابع خبری از تحریکات جدید نیروهای طالبان در چهار ولایت هلمند، ارزگان، قندهار و زابل در جنوب افغانستان خبر می دهند. به گفته ی این منابع طالبان کنترل بعضی مناطق را به دست دارند. با گذشت بیش از چهار سال از حضور نیروهای آمریکا در افغانستان، طالبان همچنان فعال است. آمریکاییان که با شعار مبارزه با تروریسم وارد، افغانستان شدند، در مقابله با نیروهای طالبان ناکام مانده اند. گسترش ناامنی ها و تشدید فعالیت طالبان نشان می دهد خارجی ها و بخصوص آمریکا تمایلی برای برقراری ثبات و امنیت در افغانستان ندارند. حضور پر رنگ نیروهای طالبان در مناطق جنوبی، باعث نگرانی گسترده مردم این کشور شده است. اکنون این سوا ل پیش می آید که چرا نیروهای ائتلاف در مقابله با طالبان، موفق نبوده اند؟ واقعیت این است که آمریکاییان وجود نیروهای طالبان را برای پیشبرد اهداف خود در افغانستان، ضروری می بینند.

در ماههای گذشته برخی گزارش ها از ارتباطات آمریکا با بعضی عناصر طالبان پرده برداشت که بیانگر عدم تمایل آمریکا در سرکوب طالبان است. برخی کارشناسان سیاسی، موضوع تروریسم و نیروهای طالبان را اهرم فشار آمریکا علیه دولت مرکزی می دانند. به نظر می رسد زمانی که نیروهای آمریکایی به طالبان به عنوان بهانه ای برای استمرار حضور خود در افغانستان می نگرند، قطع ریشه های تروریسم در افغانستان، امکان پذیر نخواهد شد. گذشت زمان که به شفاف شدن موضع آمریکا در قبال تروریسم و طالبان منجر می شود، می تواند معیار مناسبی برای مقایسه عملکرد این کشور با ادعاهای اولیه آن در زمان تصرف افغانستان باشد. مبارزه با طالبان، از بین بردن فقر، مقابله با قاچاق تجارت مواد مخدر، خلع سلاح و تامین نظم و قانون ادعاهایی است که آمریکا در تحقق آن به شدت ناکام بوده است. ایجاد ثبات و امنیت مستلزم اعمال حاکمیت دولت در سراسر این کشور است که این امر با بدست گرفتن امور امنیتی توسط ارتش ملی در این کشور میسر است. حضور نیروهای خارجی، عامل اصلی بی ثباتی این کشور است و

خروج آنان می تواند بهترین کمک به برقراری امنیت در افغانستان باشد.

ماجرای خبرنگار ایتالیایی



اعلام خبر آزادی خبرنگار ایتالیایی ربوده شده توسط طالبان در افغانستان ، بازتاب های مختلفی را دنبال داشته است . دانیه ماسترو جیاکومو ، خبرنگار ایتالیایی در چهارم مارچ به همراه یک راننده و مترجمش در منطقه نادعلی هلمند توسط نیروهای طالبان ربوده شد . طالبان در ابتدا خواستار خروج 1900 نظامی ایتالیایی در قبال آزادی خبرنگار ایتالیایی شده بود . اما در تاریخ 19 مارچ محافل خبری اعلام کردند ، خبرنگار ربوده شده ایتالیایی در قبال آزادی پنج تن از نیروهای طالبان ، آزاد شده است .

آزادی دانیه ماسترو جیاکومو از اسارت طالبان واکنش هایی را در داخل و خارج افغانستان به دنبال داشته است . حامد کرزی در پاسخ به انتقادهای داخلی و بین المللی درخصوص آزادی پنج عضو گروه طالبان در قبال آزادی خبرنگار ایتالیایی اعلام کرد ، دولت تحت فشار های زیادی قرار داشته است . گفته می شود دولت پرودی تهدید کرده بود در صورت آزاد نشدن خبرنگار ایتالیایی ، نیروهای نظامی خود را از افغانستان خارج خواهد کرد . محافل داخلی می گویند معامله با طالبان و تن دادن به خواسته های تروریست ها می تواند عواقب ناگواری را به دنبال داشته باشد . کرزی تأکید کرده که از این پس در برابر درخواست طالبان تسلیم نشده و هیچ فرد عضو طالبان را نیز آزاد نخواهد کرد . از سوی دیگر سازمان پیمان آتلانتیک شمالی " ناتو " و کشورهای هم چون آمریکا ، انگلیس ، هلند و آلمان با اعتراض به دولت ایتالیا ، معامله با تروریست ها را باعث تضعیف دولت و به خطر افتادن جان سربازان ائتلاف اعلام کرده اند . همچنین سازمان امنیت خارجی ایتالیا نیز تصریح کرده ، امکان آزادی خبرنگار ایتالیایی با پرداخت هزینه های پائین تر نیز وجود داشته است . به نظر می رسد در شرایطی که طالبان از توانایی برابر برای درگیری با نیروهای خارجی در افغانستان برخوردار نیست ، به شیوه های جدید برای اعمال فشار بر کابل و متحدان آن روی آورده است . گروگان گیری و ربودن اتباع ، شخصیت ها و خبرنگاران کشورهای عضو ائتلاف ، از شیوه هایی است که طالبان به استفاده از آن مبادرت می کند . باید توجه داشت که تداوم روند گروگان گیری در افغانستان با هدف تحت فشار قرار دادن نیروهای خارجی و دولت کرزی توسط طالبان ، شرایط دشواری را به وجود خواهد آورد . افزایش دامنه درخواست ها نخستین پیامد استمرار ربودن افراد توسط طالبان با هدف کسب امتیاز خواهد بود . به اعتقاد ناظران سیاسی ، اصرار آمریکا بر حضور طولانی مدت در افغانستان زمینه مناسب گسترش تاکتیک فشار طالبان از طریق گروگان گیری را مهیا می کند . بنابراین ، تنظیم جدول خروج نیروهای خارجی از افغانستان به موازات توسعه و تجهیز پولیس و اردوی افغانستان می تواند ابزار های طالبان را نیز محدود کند . اما متأسفانه طوریکه طی این مدت دیده شد آمریکا تمایل چندانی به تعلیم ، تربیه ، تجهیز و اكمال اردو علاقه نشان نمیدهد .

نقشی عوامل معین در تولید و صدور مواد مخدر



براساس امار اعلام شده سازمان ملل ، بیش از پانزده هزار هکتار اراضي کشت خشخاش در افغانستان در سال 2006 تخریب شده که تنها ده درصد اراضي تحت کشت را شامل میشود . در همین راستا ، معاون سرمنشی ملل متحد و رئیس مبارزه با مواد مخدر افغانستان گفت : حضور نیروهای امریکایی و غربی در افغانستان باعث گسترش مواد مخدر شده است . امریکا در سال 2001 در جریان حمله به افغانستان مبارزه با تروریسم و مواد مخدر را بعنوان دو هدف اصلی لشکرکشی به این کشور عنوان کرد . اما آمارها نشان میدهد که امریکا در راستای مبارزه با تروریسم و مواد مخدر در افغانستان اقدامی صورت نداده است .

این درحالی است که طبق آمار ، کشت خشخاش در سال 2006 در افغانستان نسبت به سال گذشته میلادی ، شصت در صد رشد داشته است . اکنون پرسش این است که امریکا از طریق تداوم کشت خشخاش و تولید مواد مخدر چه اهدافی را در افغانستان دنبال می کند . واقعیت این است که به گفته برخی محافل خبری تامین بخشی از هزینه های حضور نظامیان امریکا در افغانستان از طریق تجارت مواد مخدر صورت می گیرد .

در همین راستا گفته میشود که سازمان اطلاعاتی امریکا (سیا) در نقل و انتقال مواد مخدر از طریق افغانستان به بازارهای مصرفی جهانی نقش موثری دارد . زیرا که تجارت مواد مخدر بیش از کشت و تولید آن برای باندهای بین المللی مواد مخدر سود آور است . از سوی دیگر تداوم کشت خشخاش در افغانستان می تواند از بهانه های حضور امریکا باشد . دولت بوش می تواند از طریق اتکاء به آمار مربوط به افزایش مواد مخدر در افغانستان ؛ به توجیه دلایل حضور نظامیان امریکایی بپردازد .

هر چند که این سیاست امریکا یک شمشیردو لبه است که بیش از آن که توجیه گر حضور امریکایی ها در افغانستان باشد ، مبین شعار فریبنده دولت بوش خواهد بود . همچنین باید توجه داشت که تخریب اراضي کشت خشخاش تا زمانی که کشت جایگزین ارائه نشود، راهگشا نخواهد بود . بی تردید مبارزه جدی با مواد مخدر ، نیازمند همکاری جامعه جهانی ، با دولت افغانستان است تا منابع در آمدی جدید را برای دهقانان تعریف کنند . ارائه کشت جایگزین می تواند یکی از راهکارها در این زمینه باشد . بنابراین تا زمانی که کشت خشخاش تامین کننده هزینه ها و توجیه حضور امریکا در افغانستان باشد ، ریشه کنی معضل مواد مخدر غیر ممکن به نظر میرسد . مواد مخدر معضلی است که از دیر باز جامعه افغانستان را با چالش های جدی مواجه کرده است . رحیمی ، سخنگوی دولت اعلام کرد ، عوامل داخلی و خارجی در تولید مواد مخدر دخالت دارند .

وی در آخرین نشست سالیانه خود با خبرنگاران تاکید کرد : مبارزه با مواد مخدر در کوتاه مدت امکان پذیر نیست . رحیمی همچنین همکاری جامعه جهانی با دولت کرزی برای حل معضل مواد مخدر در افغانستان را بسیار ضروری خواند . سخنگوی دولت ، توسعه کشت جایگزین ، بهبود وضعیت اقتصادی و ارتقای سطح رفاه خانواده ها را از برنامه های دولت برای کاهش مواد مخدر عنوان کرد . رحیمی علت افزایش سطح زیر کشت خشخاش در پانزده ولایت را تشدید فعالیت های تروریستی و کندی توسعه فعالیت های عمرانی و بازسازی دانست . حمله امریکا به افغانستان در سال 2001 که با شعار مبارزه با مواد مخدر ، تروریسم و کاهش فقر صورت گرفت ، با نتایج مثبت همراه نبوده است . آمارها نشان می دهند که علیرغم حضور نیروهای امریکا، تولید مواد مخدر افزایش یافته است .

براساس گزارش های منتشر شده در امریکا ، سطح زیر کشت خشخاش در سال زراعتی گذشته 61 درصد افزایش داشته است . براین اساس مقدار تولید تریاک در 172 هزار هکتار اراضي تحت کشت خشخاش ، شش هزار و پنجصد تن تخمین زده می شود . از آن جایی که مسئولیت مبارزه با مواد مخدر افغانستان به عهده دولت انگلیس می باشد ، افزایش تولید مواد مخدر در این کشور حاکی از نبود عزم جدی خارجی در مبارزه با مواد مخدر است . هر چند که طالبان نیز برای تامین هزینه های خود به تجارت مواد مخدر می پردازد اما نقش امریکا و انگلیس در افزایش مواد مخدر کاملاً

آشکار است. از سوي ديگر بايد توجه داشت که حل معضل مواد مخدر در افغانستان تنها از طريق برخورد هاي پوليسی امکان پذير نيست.

توسعه کشت جايگزين و ايجاد منابع درآمدي جديد براي دهقانان مهمترين عامل کاهش اراضي تحت کشت خشخاش است. به نظر مي رسد، تا زماني که اراده جهاني براي مبارزه جدي با مواد مخدر تحقق نيابد و آمريکا نيز همچنان به کسب سود از طريق تجارت مواد مخدر بپردازد، مواد مخدر بعنوان بزرگترين معضل افغانستان باقي خواهد ماند. از طرف ديگر ميزان کشت و برداشت ترياک در سال جاري ميلادي به حد بي سابقه اي افزايش يافته و نسبت به سال گذشته ميلادي، افزايش شصت درصد را به نمايش گذاشته است. مدير اجرايي دفتر امور مواد مخدر در سازمان ملل متحد با اعلام اين خبر گفت: چنين آمار و ارقامی برای دولت افغانستان و کمک کنندگان بين المللی به اين کشور بسيار هشدار دهنده است.

بر اساس اظهارات آنتونيو ماريا کاستا سازمان های بين المللی که از سال ۲۰۰۱ ميلادي تلاش فراواني را برای کاهش کشت خشخاش در افغانستان صورت داده بودند اکنون بايد تدابير جديدي برای مقابله با کشت و برداشت مواد مخدر در افغانستان ببنديشند. به گفته کاستا افزايش کشت مواد مخدر در افغانستان، ناشی از قدرت گرفتن مجدد طالبان در جنوب يعني منطقه مساعد برای کشت ترياک است. شورشيان و نيروهای وابسته به طالبان، حملات خود را در بخش های مختلف افغانستان شدت بخشيده اند و در عين حال برای افزايش و رونق بخشيدن به تجارت مواد مخدر نيز از هيچ تلاشی فروگذار نکرده اند.

طالبان در عين حال به پرورش دهندگان خشخاش اطمینان داده اند که در صورت افزايش برداشت ترياک، سود ناشی از آن به صورت تضمين شده در اختيار پرورش دهندگان قرار خواهد گرفت. به گفته کاستا در سال جاري ميلادي، برداشت ترياک بالغ بر ۶۱۰۰ تن خواهد بود که اين ميزان ۹۲ درصد از کل کشت و برداشت ترياک در سطح جهان را تشکيل می دهد. اين ميزان نسبت به سال گذشته ميلادي افزايشی ۴۹ درصدی نشان می دهد و اين در حالی است که در سال ۱۹۹۹ ميلادي و به هنگام سقوط طالبان، ميزان برداشت ترياک در افغانستان ۴۶۰۰ تن بود. به گفته مقامات سازمان ملل متحد کشت مواد مخدر در افغانستان اکنون به سطح غيرقابل کنترول رسیده است. همچنان کرزی رئيس از چنين آماري ابراز تاسف کرده و از جامعه جهاني خواسته است که فعاليت های خود برای تقويت پوليسی و مقابله با کاشت مواد مخدر را شدت بخشد.

دولت آمريکا نيز نابودی خشخاش و مقابله با کشت مواد مخدر را يکی از ابعاد مهم برنامه کمک رسانی به افغانستان دانسته است و دولت حامد کرزی را به علت ناکامی در به چالش کشيدن واليان جنگ سالار و ولايات در مقابله با توليد ترياک مورد انتقاد شديد قرار داده است. از جانب ديگر تعدادي ديگري که در کرسی های قدرت لمیده اند ساليان درازي از چور و چپاول، از دزدی و راه گيري، از زورگويي و بي بندوباري، از کشتن و بستن و بردن، از بي قانوني و بخيل سري و از ظلم و وحشت ثروت انداخته اند، پس به چنين کميسيونهاي اعتناء خواهند کرد؟. پس راه مبارزه با فساد اداری در ايجاد کميسيون های رنگارنگ و مختلف نيست بلکه در يافتن ريشه های فساد و خشکانيدن آن، تعريف و ظايف اين نهاد ها و داشتن يک اراده صادق می باشد. مثال زنده و برجسته آن بگير و بزنجري قبل بين ريس لوي ثارنوالي و صديق چکري بود. يکی از عمده ترين مشکلات نظام اداری افغانستان فساد اداری و به خصوص فساد گسترده در اين چند سال اخير است. اين فساد آنچنان در تار و پود کشور ريشه کرده است که به باور بسياری از تحليلگران ساده لوحی خواهد بود اگر از اين دستگاه انتظار داشت که به احقاق حق و ابطال باطل و يا اجرای عدالت و قانونيت بپردازد.

افزايش کشت و برداشت مواد مخدر در حالی انجام می گيرد که دولت عملا بر بخش های جنوبي افغانستان کنترول خاصی ندارد و گروه های نظامی مخالف، دهقانان و دلالان در کنار برخی نيروهای فاسد دولتی و پوليسی تجارت مواد مخدر را حرفه اصلی خود قرار داده اند. افغانستان پيشتر نيز به عنوان بزرگترين توليدکننده ترياک در سطح جهان شناخته می شد و ۳۵ درصد از توليد ناخالص داخلی از تجارت مواد مخدر به دست می آيد. پيشتر هروئين به دست آمده از خشخاش در اروپا و آسيا فروخته می شود.

افزايش کشت خشخاش نيز پيشتر در پنج ولايت در جنوب و به خصوص در هلمند، قندهار و ارزگان صورت پذيرفته است يعني همان مناطقی که به خاطر حملات مداوم طالبان شرايط امنيتی باثباتی نيز ندارند. بيانيه سازمان ملل متحد در خصوص افزايش توليد خشخاش در عين حال تاکيد می کند که بخش های جنوبي افغانستان به علت کشت و برداشت گسترده مواد مخدر و تجارت آن، تروریسم، جنایت و فساد به مکان خطرناکی تبديل شده است. بنابر اظهارات سازمان ملل متحد ارتباطی قوی میان تشديد شورش و ناآرامی و افزايش توليد مواد مخدر در افغانستان يافته است. وی گفت که طالبان دهقانان را به افزايش کشت خشخاش در برابر حفظ امنيت و جان خود دعوت می کند.

دسيه ودست اندازي هاي پاكستان



روابط دو کشور همسایه افغانستان و پاکستان که مرزهای طولانی با هم دارند، در پنجاه و هشت سالی که از عمر کشور پاکستان می گذرد، همواره با فراز و فرودهای بسیاری همراه بوده است. مساله مورد مناقشه خط مرزی موسوم به " دیورند"، فعالیت گروههای مسلح مجاهدین که علیه حکومتهای طرفدار شوروی سابق در افغانستان می جنگیدند، حمایت دولت پاکستان از گروه طالبان و نیز آنچه مقامات در سالهای اخیر، فعالیت گروههای مخالف دولت این کشور در مناطق قبایلی پاکستان می خواندند، از مسایلی است که در دوره های مختلف، باعث تیرگی روابط دو کشور شده است. از بدو تاسیس کشور پاکستان در سال 1947 میلادی تا زمان لشکرکشی شوروی به افغانستان در سال 1979، مسایل مرزی بر روابط این دو کشور، سایه افکنده بود و پس از آن، تا زمان سقوط حکومت داکتر نجیب الله در سال 1992 میلادی، علاوه بر این مساله، حمایت پاکستان از گروههای مسلح مجاهدین که علیه دولت کابل می جنگیدند نیز بر تنشهای موجود میان دو کشور افزود. مرز مشترک پاکستان و افغانستان که به "خط دیورند" مشهور است در زمان سلطه بریتانیا بر شبه قاره هند در سال ۱۸۹۳ بین هند و افغانستان کشیده شد و مناطقی از افغانستان آن زمان به "هند بریتانیایی" تعلق گرفت.

پس از تجزیه شبه قاره هند و تشکیل کشور پاکستان در سال ۱۹۴۷ میلادی، این مناطق که ساکنان آن پشتون و بلوچ هستند، جز قلمرو پاکستان شد. اکثر مردم را عقیده بدان است که پاکستان میخواهد تا به بهانه جنگ علیه تروریسم به سرحدی که سالیان متمادی موضوع داغ و حل ناشده میان پاکستان و افغانستان بود، مشروعیت بدهد. با در نظر داشت تمام مشکلات که کشور بدان مواجه است، بعید بنظر میاید که افغانها به هیچ وجه نمیخواهند درین مورد معامله صورت گیرد. خط دیورند که پاکستان و افغانستان را از هم جدا میسازد، امروز یکی از موضوعات حساس در کشور بحساب میاید. پاکستان با اتخاذ سیاست دو گانه در خصوص طالبان، شرایط مساعدی برای فعالیت گروههای تروریستی در منطقه فراهم کرده است. سابقه حمایت دولت پاکستان از طالبان به زمان امارت نام نهاد طالبان باز میگردد. پاکستان به همراه عربستان و امارات متحده عربی تنها سه کشوری بودند که حکومت طالبان را به رسمیت شناختند. با سقوط طالبان مناطقی از پاکستان به مامن نیروهای طالبان تبدیل شد.

در سالهای اخیر دولت پرویز مشرف همواره از سوی آمریکا و افغانستان به حمایت و پشتیبانی از طالبان متهم شده است. از نگاه واشنگتن و کابل، پاکستان در راه مبارزه با طالبان و القاعده، همکاری لازم را ندارد. به اعتقاد برخی کارشناسان، حمایت اسلام آباد از طالبان با هدف تقویت و افزایش نفوذ پاکستان در افغانستان صورت می گیرد. در هفته های اخیر افزایش فشارهای آمریکا بر دولت پاکستان، شرایط دشواری را برای پرویز مشرف ایجاد کرده است. سفر اخیر دیک چینی به پاکستان که حامل پیام تند جورج بوش برای پرویز مشرف بود، حایز اهمیت است. بوش در این پیام تهدید کرده بود، در صورتی که دولت پاکستان در زمینه مبارزه با طالبان اقدامات موثری انجام ندهد، کمک های اقتصادی واشنگتن به اسلام آباد قطع خواهد شد. اقدام دولت مشرف در انعقاد توافق صلح با طالبان محلی در منطقه وزیرستان، واکنش آمریکا را برانگیخته است. دولت بوش توافق صلح با طالبان محلی را باعث تقویت طالبان و تشدید حملات آنان در افغانستان و منطقه میدانند. گفته می شود، دیک چینی در دیدار با مشرف تاکید کرده اگر ارتش پاکستان نمی خواهد عملیات نظامی علیه طالبان در مناطق قبایلی انجام دهد، به آمریکا و ناتو اجازه عملیات نظامی در مناطق قبایلی دهد.

در چنین شرایطی پرویز مشرف در جمع مردم ایالت سند تاکید کرد، طالبان را از پاکستان اخراج خواهد کرد. در همین حال خانم اسلم؛ سخنگوی وزارت خارجه پاکستان اعلام کرد، هیچ نیرویی حق اقدامات نظامی در خاک پاکستان را ندارد. موضع خانم اسلم در پاسخ به اظهارات ژنرال داگلاس البوت مبنی بر هدف قرار گرفتن مناطق حضور

تروریست ها در خاک پاکستان ، اعلام شده است . سفیر آمریکا در اسلام آباد نیز به دلیل آنچه دخالت در امور داخلی پاکستان خوانده شد به وزارت خارجه پاکستان احضار شد .

مجموعه این شرایط نشان میدهد که دولت مشرف در شرایط دشواری قرار گرفته است . حمایت پاکستان از طالبان با واکنش آمریکا و جامعه بین الملل مواجه میشود و تشدید اقدامات علیه طالبان با تحولات منفی خصوصا در مناطق قبایلی توام خواهد بود . برخی از ناظران سیاسی بر این باورند که بدلیل حمایت گسترده دولت پاکستان خصوصا سازمان اطلاعات ارتش این کشور از طالبان ، مبارزه با تروریسم یک سناریوی تبلیغاتی برای دولت مشرف است . بنابراین تا زمانی که طالبان ، ابزاری برای نفوذ پاکستان در افغانستان باشد ، اظهارات پرویز مشرف در خصوص مبارزه با تروریسم ، تنها یک ادعا تعبیر خواهد شد .

نتش در روابط پاکستان و افغانستان به یک روند تبدیل شده است . اخیراً " سخنان " علی احمد ورکزی " والی ایالت سرحد پاکستان در خصوص تبدیل شدن طالبان به یک جنبش آزادیخواه ، واکنش تند مقامات را برانگیخته است . وی ادعا کرده است که طالبان برای آزادی افغانستان می جنگدو سرخوردگی قوم پشتون از عوامل تقویت طالبان است . به دنبال حمایت والی سرحد از طالبان ، ولسی جرگه و نهادهای دیگر حقوقی و مردمی افغانستان با محکوم کردن موضع گیری ورکزی ، خواستار توضیح دولت پاکستان در این زمینه شد .

ولسی جرگه با صدور بیانیه ای اعلام کرد ، پاکستان با وجود فشارهای بین المللی همچنان به سیاست های مداخله جویانه خود در افغانستان ادامه می دهد . وزارت خارجه افغانستان نیز در بیانیه ای اظهارات والی سرحد پاکستان را دخالت آشکار در امور داخلی افغانستان دانست . وزارت خارجه این اظهارات ورکزی را که پشتون ها از طالبان حمایت می کنند را خلاف واقعیت ، غیر مسئولانه و تحریک آمیز خواند . وزارت خارجه با اشاره به تلاش تاریخی پاکستان برای جلوگیری از ظهور افغانستان مستقل و آزاد تاکید کرد که پاکستان همواره با پشتون ها بدفتاری کرده است . نماینده ویژه سازمان ملل در افغانستان که در کابل به سر می برد ، خواستار توضیح دولت پاکستان در مورد حمایت از طالبان شد . تام کوئینگز که در جمع خبرنگاران سخن می گفت ، درباره طالبی شدن کشور های منطقه بویژه پاکستان هشدار داد . وی خاطر نشان کرد که پاکستان باید از عملکرد طالبان در افغانستان درس بگیرد و دست از حمایت از طالبان بردارد . به اعتقاد کارشناسان ، سیاست اسلام آباد در افغانستان مبتنی بر نفوذ در ساختارهای حکومتی و مراکز تصمیم گیری این کشور است و به رسمیت شناختن طالبان در زمان حکومت بر افغانستان هم در این راستا ، قابل ارزیابی است . در سال های اخیر همواره دولت پاکستان در معرض اتهام حمایت از طالبان بوده است . مقامات داخلی و آمریکایی بر این باورند که طالبان و حتی هسته هایی از القاعده در داخل پاکستان آموزش می بینند و تجهیز می شوند . اما دولت پاکستان با رد هر گونه حمایت اسلام آباد از طالبان ، بر مبارزه با گروه های تروریستی از جمله گروه طالبان تاکید دارد . به اعتقاد ناظران سیاسی ، نگاه ابزاری دولت مشرف به طالبان برای گسترش نفوذ در افغانستان باعث تشدید بی ثباتی در منطقه خواهد شد . اظهارات اخیر والی ایالت سرحد نشان دهنده دیدگاه مقامات پاکستانی درباره طالبان است . به نظر می رسد که توصیف فعالیت های خشن و ضد انسانی طالبان به جنبش آزادی خواه از سوی مقام ارشد ایالت سرحد بسیار غیر واقع بینانه است . در این جا این پرسش مطرح می شود ، درشرایطی که طالبان نوعی دیکتاتوری و خفقان سیاسی را دنبال می کند ، چگونه می تواند یک جنبش آزادی خواه خوانده شود ؟ حافظه تاریخی ملت افغانستان آکنده از جنایات طالبان است و بنابراین نمی توان تلاش مردم مظلوم افغانستان برای رهایی از سلطه خارجی را در کنار تفکرات طالبان قرار داد .

سیاست های تبعیض آمیز زمامداران اکثر غیر پشتون پاکستان نسبت به میزان مشارکت پشتون تبارها در ساختار سیاسی حکومت و فقر اقتصادی که در مناطق پشتون نشین وجود دارد ، عوامل اصلی حفظ و تداوم پیوندهای یاد شده است . شور و شوق و اشتراک بی سابقه و فعال پشتون های پاکستانی در جنگ علیه ارتش شوروی در افغانستان و بعدها کمک و همکاری با گروه طالبان تنها در قالب همین حفظ پیوندها قابل تفسیر و تحلیل است . آنها در تمام این سال ها در افغانستان چنان می جنگیدند که گویا سرزمین خودشان - و نه يك کشور دوست و همسایه - در جنگ درگیر است . اینك حدود سه دهه از پایه گذاری سیاست خارجی تهاجمی پاکستان در قبال همسایه شمالی اش می گذرد .

طی این مدت سرمایه گذاری های کلان و تلاش های عظیمی صورت گرفت و پاکستان در زمان طالبان تا آستانه بلعیدن افغانستان پیش رفت . اما با وقوع رویداد ۱۱ سپتامبر با اندوه و درد که بنده گان پول در افغانستان و استثمارگران پولدار بین المللی در تفاهم پنهانی با فتنه گران پاکستانی استقلال ملی ، تمامیت ارضی و حاکمیت مردمی را معامله خواهند کرد . اما خوشبختانه سه عامل بنیادی که از آنها به عنوان محرك اصلی دخالت و دست اندازی پاکستان در افغانستان یاد شد ، هرکدام یا دچار تحول و دگرگونی شده و یا به سمت و سویی غیر از سمت و سوی منافع پاکستان به چرخش درآمده است . امیدی را برخلاف اراده استثمارگران بین المللی و نوکران داخلی اش در افغانستان که طی این مدت همه چیز را به باداران خارجی اش در بدل پول معامله کرده اند ، در قلب ملت آزاده افغانستان پدیده آورده است . استفاده از منابع خبری .